

مرزهای خراسان با کشورهای همسایه*

مقدمه

قبل از شروع بحث برای آشنایی با مرز و اهمیت آن در جغرافیا لازم است به طور مختصر مطالبی پیرامون مسایل مرزی بیان شود.

خط مرزی خطی است قراردادی که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می شود و مرزها مهمترین معیار تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از سایر واحدها می باشند. در برخی مواقع مرزهای بین کشورهای با استفاده از عوارض طبیعی نظیر رودخانه ها، دریا، دریاچه ها و کوهها و یا با وسایل غیر طبیعی مانند ستون، میله، یا سیم خاردار مشخص می شوند.

در گذشته مرز به صورت یک خط وجود نداشته بلکه منطقه پهناوری که حد فاصل دو کشور یا دو امپراطوری بوده منطقه مرزی را تشکیل می داده است. در حال حاضر مرزها شامل مرز زمینی، مرز دریایی و مرز هوایی بوده که هر یک بر اساس قوانین بین المللی و قرار دادهایی بین کشورها مشخص شده اند. مرزهای جغرافیایی و مسایل مختلف مربوط به آنها

* بدینوسیله از استاد محترم جناب آقای دکتر پاپلی یزدی و همکاران گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آقایان فرخی، فدائی و چکنگی که در تهیه مقاله با اینجانب همکاری داشته اند تشکر می شود.

در سیاست‌های داخلی و خارجی هر کشور اثر داشته و دارای اهمیت خاصی می‌باشند. مرزهای هر کشور در واقع حدود و ثغور حاکمیت آن کشورند و وضعیت آنها نشانه قوت و یا ضعف آن حاکمیت می‌باشد. علاوه بر آن مرزها تأثیر مستقیمی بر چگونگی فعالیت‌های اقتصادی، روابط و مبادلات مرزی مرزنشینان دارد. به هر میزان که داد و ستدها، صادرات و واردات بین دو کشور همسایه بیشتر باشد طبیعتاً مرزها اهمیت اقتصادی بیشتری پیدا می‌کنند. اصولاً مرزهای هر کشور صرف نظر از این که حافظ موجودیت آن نظام هستند بزرگترین تأثیر را در امنیت و استقلال آن مملکت دارند.

از لحاظ سیاسی کنترل مرزها نشانه ثبات حاکمیت سیاسی یک کشور است. زیرا به طور معمول هر گونه ضعف و نزلتی که در مرکز حکومت پیش آید قبل از هر نقطه‌ای تأثیر مستقیم آن در مرزها آشکار می‌شود. به دلیل اهمیت سیاسی مرزها است که هر گونه تغییر خطوط مرزی با حساسیت و وسواس خاصی انجام می‌گیرد. بنابراین رعایت حدود و ثغور کشور و مقررات مرزی به منزله حفظ مصالح و رعایت قراردادهای منعقد شده بین دولتها تلقی می‌شود.

هر دولتی که بخواهد در داخل کشور امنیت برقرار کرده و شرایط و امکانات سازندگی را فراهم کند باید از مرزهایی مطمئن برخوردار باشد در غیر این صورت مشکلات ناشی از ناامنی مانع گسترش و توسعه امور اقتصادی و فرهنگی خواهد بود. اهمیت مرزها و ضرورت برقراری امنیت در آنها ایجاب می‌کند که دولتها سعی کنند حتی المقدور در مرزهای کشور خود تشنجی نداشته باشند. یکی از مهمترین عوامل و زمینه‌های تحقق این هدف داشتن روابط حسنه با کشورهای همسایه است. لذا در سیاست خارجی هر کشور روابط با همسایگان از اولویت خاصی برخوردار است، چرا که یکی از معیارهای ارزیابی ثبات و امنیت و حاکمیت سیاسی هر کشور، چگونگی روابط با دولتهای همسایه می‌باشد. به همین علت است که دولتها معمولاً در رابطه با کشورهای همسایه همیشه بهترین و ورزیده‌ترین سیاستمداران خود را برای کارهای سیاسی، مرزبانی و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی به کار می‌گمارند. زیرا به خوبی می‌دانند هر تحولی که در کشور مجاور روی دهد دیر یا زود، مستقیم یا غیر مستقیم تأثیرات خود را در امور کشور آنها نیز نشان خواهد داد. حتی بسیاری از حوادث طبیعی و آفات برای کشور مجاور آثار مشابه و یکسانی دارند. طبیعی است که تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند کشورهای

همسایه را متأثر کنند.

تعیین مرز بر اساس تحدید حدود، موافقت طرفین و یا تحمیل بر دیگری صورت می‌گیرد. در مراحل بعدی کمیسیونهای مرزی متشکل از نمایندگان دو کشور هم مرز ضمن تهیه نقشه‌هایی از محل، اقدام به نشانه گذاری می‌کنند. بدین ترتیب حدود و قلمرو دو کشور مشخص می‌شود که به این نوع مرز بین المللی می‌گویند عبور از مرزهای بین المللی بر اساس قوانین و مقررات خاصی است. در صورت عبور و تردد غیر مجاز متجاوزین مرزی تحت تعقیب مأمورین انتظامی کشور همسایه قرار خواهند گرفت.

محدوده تقسیمات کشوری و یا واحدهای سیاسی داخل کشورها نظیر دهستان، بخش، شهرستان و استان نیز توسط مرز مشخص می‌شود که نسبت به مرزهای بین المللی از اهمیت کمتری برخوردارند حوزه فعالیت مأمورین دولتی در هر واحد سیاسی معمولاً با این مرزها مشخص می‌شود.

در پایان، ضروری است برای نشان دادن اهمیت و حساسیت مسائل مرزی به اصل ۷۸ قانون اساسی کشورمان اشاره ای بشود. اساس و پایه کار در این اصل به قدری محکم بیان شده که به صراحت ذکر می‌شود «هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط این که یک طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزنند و به تصویب چهار پنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد»

حدود خراسان در طول تاریخ

استان خراسان در شمال شرقی و بخش اعظم شرق کشور، بین ۳۰ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی و ۵۵ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۴ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. طول آن به خط مستقیم در جهت شمالی جنوبی ۷۵۰ کیلومتر و عرض متوسط آن در جهت شرقی، غربی ۴۲۰ کیلومتر است.

خراسان مجموعه‌ای است از عوارض جغرافیایی، فلات، جلگه، کوه و زمینهای خشک کویری که رودخانه‌های متعدد فصلی و دائمی در نواحی مختلف آن جریان دارد. از شمال به کشور اتحاد جماهیر شوروی (جمهوری ترکمنستان^۱) و از شرق به کشورهای شوروی و

۱- ترکمنستان یکی از جمهوریهای اتحاد شوروی در آسیای مرکزی می‌باشد. بخش اعظم این سرزمین سابقاً جزء خاک ایران بوده و روسها با جنگ و تجاوز بر این ناحیه مسلط شدند و در سال ۱۹۲۴ به صورت یکی از جمهوریهای شوروی در

افغانستان. از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان و از غرب به استان‌های یزد، اصفهان، سمنان و مازندران محدود است. مساحت آن $۳۱۵۶۸۶/۵$ کیلومتر مربع است.^۲ از نظر وسعت خراسان از ۱۱۱ کشور جهان از جمله انگلستان و ایتالیا وسیعتر است و تقریباً $\frac{۱}{۵}$ مساحت ایران را شامل می‌شود.

بر اساس منابع تاریخی خراسان بزرگ قبل از تاریخ کنونی مستقل برای نژاد آریا بود. طوایف مختلف آریایی از طریق خراسان به فلات ایران وارد شده و به طرف جنوب خراسان و تا سیستان امروزی پیش رفتند. قبل از جدایی طوایف هند و اروپایی، آریاییهای ساکن شمال شرقی فلات ایران به علت حملات مداوم سکاها از شمال تشکیلات سیاسی و نظامی بزرگی در خراسان بزرگ به وجود آوردند.

با تشکیل پادشاهی ماد (۵۵۰-۶۱۵-ق-م) در مرکز و غرب ایران آریاییها سرزمین تحت نفوذ خود را وسعت بخشیدند. در این زمان سرزمین فعلی خراسان و شرق دریای خزر (کاسپی) تا آمودریا تابع ماد شد. شهرهای مهم آن نسیه، پرثوه، هرای وه، مور (مرگوش) بودند.^۳

بعد از آن که کورش پسر کمبوجیه از خاندان هخامنشی در سال ۵۵۰ قبل از میلاد هگمتانه را تسخیر کرد حکومت ماد جای خود را به هخامنشیان داد (۳۳۰-۵۵۰-ق-م) در این زمان پادشاهان هخامنشی بر اراضی پهناوری حکومت می‌کردند که ایران نام داشت. حدود ایران از طرف شرق رود سند، از شمال رود سیحون، دریای خزر، دریای سیاه و کوههای قفقاز و از سمت جنوب اقیانوس هند و خلیج فارس بود. حد غربی کشور به علت جنگهای دائمی بین ایران و یونان دقیقاً مشخص نبود ولی به طور کلی دریای اژه را می‌توان مرز غربی ایران آن عصر فرض کرد. آنچه مسلم است مرزها و حدود سرزمین ایران از زمان

آوردند. وسعت آن ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۹۷۹ معادل ۲۷۶۵۰۰ نفر بود. مرکز این جمهوری شهر عشق آباد (پلتوراتسک) و در ۴۰ کیلومتری شمال شهر باجگیران می‌باشد این جمهوری از جنوب با کشورهای ایران و افغانستان و دریای مازندران همسایه است و ساکنین آن بیشتر از طوایف و قبایل ترکمن و ازبک می‌باشند اسلام در قرنهای ۸ و ۹ به این ناحیه راه یافت لذا اغلب ساکنین آن مسلمان هستند. ترکمنستان یکی از مراکز عمده پرورش دام، صید ماهی و تولید محصولات کشاورزی در اتحاد شوروی می‌باشد. همچنین در این جمهوری معادن غنی نفت و نمک وجود دارد.

۲- در بیشتر منابع و مآخذ وسعت خراسان $۳۱۳/۳۳۵$ کیلومتر مربع ذکر شده است. در نشریه نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، استان خراسان، وسعت خراسان رقم بالا نوشته شده است.

۳- اطلس تاریخی ایران، دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۰، نقشه شماره ۴.

سلطنت هخامنشیان مشخص شده است.

داریوش در بند ششم کتیبه بیستون با بیان نام ساتراپها حدود مرزهای ایران را مشخص کرده است^۱ «اینهایند کشورهایی که به فرمان من آمدند، که به خواست اهورامزدا پادشاه آنان بودم: پارسه (فارس)، هُرُوج (خوزستان)، با بیروش (بابل)، آشورا (آشور)، اربایه (عربستان = حاشیه شمالی عربستان امروزی)، مودرایه (مص) تی بی دریه یا (آنان که در دریانند = جزیره نشینان دریای اژه) اسپرد (ساردیس - لودی)، ئیونا (ایونیان)، ماد، ارمیه، گت پتوگا، زرنج (زرنج، سیستان)، هرایوا (ناحیه هرات)، هوارزمی (خوارزم)، باختریش (ناحیه بلخ)، سوگود (سغد)، گندار (گندار، قندهار = ناحیه ای از افغانستان شرقی)، سکه (سرزمین سکاها)، ثت گوش (سه گاو، ناحیه پنجاب) هواخواتیش (آراخوزیا، رنج = افغانستان جنوب شرقی)، مکه (مکران)».

داریوش بعد از فراغت از جنگهای داخلی و کشورگشایی، ایران را به چند ساتراپ یا ایالت تقسیم کرد که هر یک از آنها تحت فرماندهی استانداری به نام خشر و پاون که از مرکز تعیین می شد اداره می گردید^۲.

بعد از انقراض سلسله هخامنشی به دست اسکندر مقدونی (۲۵۶ - ۳۳۰ ق. م) و حکمرانی جانشینان وی در ایران (۶۰ - ۲۱۲ ق. م) مرزها و محدوده مملکت همواره در تغییر بود و هیچ گاه به وسعت زمان هخامنشی نرسید.

ملک الشعراء بهار می نویسد «پرتوه نام قبیله بزرگی یا سرزمین وسیعی است که مسکن قبیله پرتوه بوده و آن سرزمین خراسان امروزیست که از شرق به صحرای اتک (دشت خاوران قدیم) و از شمال به خوارزم و گرگان و از مغرب به قومس (دامغان) و از نیمروز به سند و زابل می پیوسته و مردم آن سرزمین از سکه بوده اند که پس از مرگ اسکندر یونانیان را از ایران راندند و دولتی بزرگ و پهناور تشکیل دادند»^۳.

در فصل اول و نذیداد آمده است: «پنجمین کشوری که من آهورامزدا آفریدم نیسایه می باشد و در میان مرو و بلخ واقع شده است. و چون اوستا (که نذیداد بخشی از آن است) در زمان اشکانیان (پارت ها) نوشته شده حدود خراسان که همان سرزمین پارت باشد در

۴- آبتسیکی - خراسان و ماوراءالنهر (آسیای میانه) ترجمه دکتر پرویز ورجاوند، نشر گفتار، ۱۳۶۴، صفحه ۱۹.

۵- کیهان مسعود، جغرافیای مفصل ایران، جلد دوم، سال ۱۳۱۱، صفحه ۵.

۶- بهار، ملک الشعراء، سبک شناسی، جلد اول، شهریور ۱۳۳۱، صفحه ۱۵.

زمان این قوم مرو و بلخ بوده. مرکز ایالت پارت که بعداً نام خراسان به خود گرفت در آغاز شهر نیسایه یا نساء بوده است^۷».

در زمان سلطنت اشکانیان (۲۵۶ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی- ۴۸۰ سال) کشور ایران محدوده و وسعت ثابت نداشت. چنان که از روی مسکوکات آن زمان حدس زده اند حدود شمال شرقی به کنار رود جیحون می‌رسید و تمامی کشور افغانستان فعلی بخشی از ایران بوده است. اشک اول در سال ۲۵۶ پیش از میلاد در سرزمین پَرثَوِیا، خراسان امروزی عَلم استقلال را برافراشت و با زماندگان سلوکوس را که جانشین اسکندر بودند را از نواحی غربی ایران به سمت سوریه و فلسطین راندند و موجب استقلال مجدد ایران شدند. دفاع مردانه آنان از مرزهای شرقی و غربی در برابر مهاجمان زردپوست و رومیان شاهان اشکانی را فاتحان کامیاب و پیروز آن روزگار کرده بود. آنها امپراطوری اشکانی را تا مرزهای روم و یونان توسعه داده و ارتباط شرق و غرب را فراهم کردند.

انقراض اشکانیان در سال ۲۲۴ میلادی در حقیقت یک حادثه داخلی و انتقال حکومت از طوایف شرقی ایران به پارسیان بود. ساسانیان مانند اشکانیان دفاع دلیرانه از سرحدات شرقی و غربی را ادامه دادند و با به وجود آوردن تشکیلات منظم اداری و لشکری توانستند محدوده ایران را به دوران هخامنشی نزدیک کنند.

متصرفات و محدوده دولت ساسانیان (۶۵۲-۲۲۴ میلادی) تقریباً همان وسعت عصر اشکانیان بود، لیکن در ناحیه غربی این سلسله مرتباً با رومیها در جنگ بود. مرزهای شرقی تا آن سوی مرزهای کشور کنونی افغانستان و بخشی از پاکستان و مرزهای شمال شرقی تا حد فرغانه رسید. هرتسفلد می‌گوید «کشور ساسانیان در مشرق ایران کنونی شامل ممالک زیر بود، گرگان و تمام خراسان که در آن زمان بسی وسیع تر از امروز بود جزء ایران محسوب می‌شد و گویا خوارزم و سند و سگستان (سیستان) که حدود آن خیلی وسعت داشت با ایالت مکران (مکران- کرمان) و توارن ضمیمه آن بوده است^۸».

خراسان در زمان ساسانیان ایرانشهر خوانده می‌شد و فرمانروای آن را اسپهبد می‌گفتند

۷- مدیرشانه‌چی- کاظم، حدود خراسان در طول تاریخ، نشریه دانشکده علوم معقول و منقول دانشگاه مشهد، اسفند

۱۳۴۷.

۸- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشیدیاسمی، چاپ چهارم، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱.

که چهار مرزبان مروشاه جهان، بلخ و تخارستان، هرات و بوشنج، بادخیز و سجستان و ماوراءالنهر در اطاعت او بودند.

سلسله ساسانی به دست سرداران اسلام منقرض شد فتح خراسان توسط مسلمین در سال ۲۹ هجری و در زمان خلافت عثمان آغاز شد و این ناحیه تا تشکیل سلسله صفاریان حدود معین و مشخصی نداشت. ولی آنچه مسلم است، بعد از لشکر کشی اعراب این سرزمین تحت کنترل و فرمانروایی مسلمانان بود.

يعقوب لیث بزرگترین مرد نظامی و سیاسی ایران بعد از ابومسلم خراسانی با قیام خود توانست استقلال سیاسی قسمت بزرگی از ایران را تجدید کند. او در سال ۲۵۹ هجری با لشکرکشی به نیشابور خراسان را ضمیمه متصرفات خود کرد. قلمرو صفاریان در مشرق رود سند و در شمال شرقی رود جیحون، در شمال و شمال غربی خراسان، گرگان و طبرستان و در جنوب کرمان و فارس را شامل می شد.

بعد از صفاریان دولت سامانی هم مدت یک و نیم قرن در ایران حکومت کرد. (از اوایل قرن سوم تا ۳۸۹ هـ.ق) مرکز اصلی حکومت آنان ابتدا ماوراءالنهر بود. ولی بعدها خراسان، سیستان، تا شعبات غربی رود سند، گرگان، طبرستان، ری قومس، فارس، کرمان، قزوین و ترکستان را ضمیمه متصرفات خود کردند. پس از طاهریان و سامانیان تمام ولایات خراسان و ماوراءالنهر که به منزله یک ناحیه بودند تحت حاکمیت فرمانروایان ایرانی بود. در این زمان شهرهای بزرگ خراسان نیشابور، بلخ، مرو، هرات بودند. مرکز فرمانروایی شهر مرو و یا بلخ بود که در زمان طاهریان به نیشابور منتقل شد.

در سال ۳۹۳ هـ/ ۱۰۰۲ م سلطان محمود غزنوی بر سرزمینهای تحت حاکمیت صفاریان و سامانیان تسلط یافت و به موجب قراردادی که با ایلک خان حاکم ماوراءالنهر منعقد کرد، رود جیحون در شمال شرقی سرحد دولتین شده غزنویان با لشکرکشی به نواحی پنجاب، کشمیر، گجرات هند و افغانستان نفوذ خود را در آن حدود بسط دادند.

بعد از غزنویان سلاطین سلجوقی و سپس خوارزمشاهیان بر خراسان استیلا یافتند. با شکست محمد خوارزمشاه از چنگیز و حملات مغول و تاتار از سال (۶۱۶ هـ/ ۱۲۱۹ م) تا حمله تیموریان به ایران در سال ۷۸۲ هـ این کشور درگیر قتل و غارت و ویرانی بود.

رویهم رفته حوادث ناگواری که از سال ۶۱۶ هجری تا سال جلوس شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷ هـ) در ایران رخ داد منجر به تغییر حدود ایران و خراسان شد. شاه اسماعیل بر

اساس وحدت ملی و اصول مذهبی ایران را تحت لوای یک حکومت درآورد و ایرانیان را با یکدیگر متحد کرد و قدرتی به وجود آورد که به او امکان داد تا در برابر عثمانی پایداری کند. علاوه بر آن در زمان صفویان (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هجری) وسعت کشور ایران به سرحدات طبیعی خود رسید. شاهان صفوی بعد از فرونشاندن فتنه‌های داخلی بر اثر فتوحات و جنگهای پی در پی با همسایه‌های شمالی و غربی حدود کشور را از شمال به رود جیحون، دریای خزر و کوه‌های قفقاز و از شرق تا رود سند، و از جنوب به کرانه‌های خلیج فارس و دریای عمان و از مغرب به بین‌النهرین رساندند. و از این زمان است که مرزهای خراسان مجدداً مشخص می‌شود. لازم به توضیح است که خطوط مرزی بر اساس قراردادهای ۱۰۴۹ هـ. ق در دوران سلطنت شاه صفی مشخص شد.

شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۶ به خوارزم رفت و بعد از رفع فتنه داعیان حکومت، حاکم این منطقه را منصوب کرد. حاکمان خوارزم تا اواخر دوره صفویه خراج گزار دولت صفویه بودند. در این زمان دوران آرامش خراسان بود بنابراین توسعه و آبادانی آن مورد توجه پادشاهان صفویه قرار گرفت. بعد از مرگ شاه عباس ازبکها و ترکمنهای خوارزم از ضعف پادشاهان صفوی استفاده کرده و حدود شرقی خراسان را مجدداً مورد هجوم و تاخت و تاز قرار دادند.

سقوط دولت پرافتداری صفوی، که پادشاهان آن توانسته بودند اقوام و سرزمینهای وسیعی را تحت نفوذ خود درآورند، در مقابل هجوم افغانها یک بار دیگر زوال دولت هخامنشی در برابر حمله اسکندر و شکست ساسانیان در برابر حمله اعراب و از هم پاشیدن دولت خوارزمشاهیان در برابر هجوم بی رحمانه مغول را تداعی می‌کند. با ضعف حکومت ایران و فتنه افغانها روسها از موقعیت استفاده کرده و از قفقاز تا مازندران را تصرف کردند. عثمانیها ضمن مصالحه با اشراف افغان حکومت اورادریان به رسمیت شناختند و به موجب قراردادی مرزهای ایران و عثمانی مشخص شد. «بنای ممالک و تعیین حدود و تجدید ستور به این نهج دستور کردند که ولایت خوزستان و لرستان فیلی با کزاز و زنجان و سلطانیه و خلخال و اردبیل به دولت عثمانی، و ولایات سمت شرق عراق و دارالمرزبه افغانه متعلق باشد و بر این عهد و میثاق اتفاق و رفع غائله نزاع و نفاق کرده هریک عازم مقرو مقام خویش گردیده»^۹

با وضعیتی که برای ایران آن زمان پیش آمده بود چیزی نمانده بود که نواحی شمالی و غربی ایران به دست روسها و عثمانیها بیفتد. ولی با ظهور نادر دشمنان ایران ضربه سختی خوردند و ایران استقلال و تمامیت ارضی خود را دوباره بازیافت.

با تشکیل دولت افشار(۱۱۴۸ هـ/ ۱۷۳۵ م) و لشکرکشیهای فاتحانه نادر به شرق و سمت ایران موقتاً به حدود دوران هخامنشی رسید و بار دیگر خراسان مرکز سیاسی ایران و کانون بزرگترین قدرت نظامی مشرق زمین شد. لشگریان نادر تا کوههای هیمالیا و شهر دهلی پیش رفتند و دره پنجاب و سند را تصرف کردند. آنها نواحی مجاور قفقاز و سرزمینهای شرق دریای خزر و کلیه سرزمینهای ترکستان تا حدود جنوبی سیبری را که توسط روسها تصرف شده بود به اطاعت نادر درآوردند^{۱۰}. نادر برای سرکوبی ازبکها و ترکمنهای خوارزم به ترکستان لشکر کشید و پس از غلبه بر بخارا در ۱۶ رجب ۱۱۵۳ هـ - عازم خوارزم شد و محمدخان را به حکومت آن جا منصوب کرد.

پس از قتل نادر هریک از فرماندهان او با قوایی که تحت فرماندهی خود داشتند در مناطق مختلف کشور حکومتی تشکیل دادند و شاهرخ نوه نادر نیز تا روی کار آمدن آقا محمدخان بر قسمتی از خراسان که شامل مرو، نیشابور، مشهد، سبزوار و قوچان می شد حکومت کرد^{۱۱}. در این زمان خوانین خوارزم، بخارا و بلوچستان نیز از فرصت استفاده کرده و حکومتهای مستقلی تشکیل دادند و لیکن همواره مطیع سلاطین قاجار بودند. احمدخان درانی نیز که از افسران اردوگاه نادر بود به قندهار رفت و خود را شاه خواند و بر شرق افغانستان و سرزمینهای کشمیر، بدخشان و هرات و قسمتی از خراسان مسلط شد. حاکم هرات در آن زمان امیرخان عرب بود که از جانب شاهرخ تعیین شده بود. احمدخان به هرات حمله کرد و بعد از کشته شدن امیرخان شهر را به تصرف خود درآورد. احمد شاه بعد از فتح هرات عازم مشهد شد و لیکن با شاهرخ میرزا از در مصالحه در آمد، بنابراین افغانستان که تا آن تاریخ جزو خاک ایران بود توسط احمد شاه درانی از ایران جدا و مستقل شد. ولی باز ولایت هرات جزو خاک ایران و حکام آن خراج گزار و منصوب پادشاه ایران بودند.

طوایف زند به سرپرستی کریم خان که در زمان نادرشاه برای حفاظت از مرزهای خراسان به این ناحیه کوچانده شده بودند به ملایر باز گشتند. کریم خان بعد از شکست

۱۰ - اطلس تاریخی ایران، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران، نقشه شماره ۲۲.

۱۱ - اطلس تاریخی ایران، مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران، نقشه شماره ۲۳.

رقیبان خود سلسله زندیه را در شیراز تأسیس کرد و به پاس احترام به نادر خراسان را هم چنان در دست شاهرخ باقی گذاشت. او مدت ۲۱ سال فرمانروایی کرد تا این که در روز ۱۳ صفر سال ۱۱۹۳ هـ. ق آقامحمد خان قاجار با قیام و ازپای درآوردن رقبای خود مرزهای کشور را به دوران سلطنت صفویه رساند.

شکل گیری مرزهای کنونی خراسان با افغانستان

نادرشاه در فتح آباد قوچان به قتل رسید و شیرازه حکومت وی متزلزل و سرزمین تحت حکومتش تجزیه شد. احمدخان ابدالی فرمانده افغانان و از بچه‌های سپاه نادر به قندهار رفت و در آن جا حکومتی مستقل تشکیل داد و بتدریج بر کابل، هرات و سایر نواحی مسلط شد. حکومت او تا روی کار آمدن آقا محمدخان قاجار ادامه داشت.

در سال ۱۲۱۰ هجری آقا محمدخان قاجار برای سرکوبی نادر میرزا پسر شاهرخ به خراسان لشکر کشید و سراسر خراسان و بلخ را تحت تصرف خود درآورد. در این زمان که شاهزاده محمود حاکم هرات بود از آقا محمدخان اطاعت کرد و خطبه به نام وی خواند.

در زمان سلطنت فتح علی شاه والی هرات (فیروزالدین میرزا) در پرداخت مالیات کوتاهی کرد. شاه حاکم خراسان را عازم آن خطه کرد. در نتیجه والی با پرداخت مالیات معوقه و اظهار اطاعت مجدداً اعلام وفاداری کرد.

در دوران سلطنت محمدشاه کامران میرزا حاکم هرات بود. وی ضمن به قتل رساندن چند نفر از ایرانیان و دست اندازی به حدود سیستان از پرداخت مالیات خودداری کرد. محمدشاه در سال ۱۲۵۳ به هرات اردو کشید و هرات را محاصره کرد اما چون انگلیسیها از تسلط ایران بر هرات که معبر هندوستان است هراس داشتند به طرق مختلف سیاسی در مسایل افغانستان مداخله کرده و رسماً وارد جنگ ایران و افغان شدند. و با اعزام ناوهای جنگی به خلیج فارس محمدشاه را مجبور به ترک محاصره هرات کردند در این زمان دولت انگلستان رسماً برای تصرف افغانستان اقداماتی انجام می داد و بتدریج حاشیه شرقی ایران از تصرف ایران خارج شد. ولی نیروهای انگلیسی نتوانستند در برابر پایداری مردم افغانستان در این سرزمین باقی بمانند. لذا با بستن قراردادهایی اداره این محدوده را در اختیار امرای افغان گذاشتند.

در زمان حکومت ناصرالدین شاه (۱۲۷۲ هجری) شهر غوریان تسلیم قوای ایران شد و

شهر هرات در محاصره قوای ایران قرار گرفت. با توجه به کمک انگلیسیها در ساختن برج و باروی هرات به یارمحمدخان بالاخره در روز بیست و پنجم صفر ۱۲۷۳ شهر هرات به دست قوای ایران افتاد. فتح هرات مجدداً موجب تسلط و نفوذ دولت ایران در افغانستان شد ولیکن چون این امر با سیاست انگلیسیها مغایرت داشت آنها دوست محمدخان را علیه ایران تجهیز کردند و خود در سواحل خلیج فارس و نواحی جنوبی کشور بنای تجاوز گذاشتند. پس از مدتی زد و خورد میان نیروهای طرفین ناصرالدین شاه مجبور به تخلیه هرات شد و به موجب عهدنامه پاریس (رجب ۱۲۷۳ هـ/ ۱۸۵۷ م) که به امضاء لرد کاولی سفیر فوق العاده انگلیس و فرخ خان امین الملک سفیر ایران در پاریس رسید انگلیس خاک ایران را تخلیه و دولت ایران نیز از ادعای خود بر شهر هرات صرف نظر کرد و استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت. فصل پنجم و ششم عهد نامه پاریس در خصوص تعیین مرز دو کشور ایران و افغانستان می باشد که در آن شاه ایران تعهد کرد از تاریخ قرارداد به مدت سه ماه کلیه لشکریان و مأمورین خود را از هرات و کشور افغانستان خارج کند. ضمناً دولت ایران باید از هر نوع حق حاکمیت بر شهر هرات و خاک افغانستان صرف نظر کرده و از رؤسای قبایل افغان درخواست اطاعت و مالیات نکند، همچنین در صورتی که اختلافاتی بین دو کشور بروز کرد و طرفین نتوانستند آن را دوستانه حل کنند به دولت انگلستان حکمیت خواهند داد بر همین اساس چون در مورد تعیین مناطق سرحدی و خط مرزی مرتباً بین دو کشور اختلاف وجود داشت لذا مرز ایران و افغانستان با دخالت انگلستان تعیین شد.

مرز ایران و افغانستان از $26^{\circ}58'29''$ عرض جغرافیایی (بلندترین نقطه کوه ملک سیاه در $19^{\circ}15'61''$ طول جغرافیایی) در مرز مشترک ایران- افغانستان و پاکستان تا $35^{\circ}35'56''/07$ عرض جغرافیایی (محل دهانه ذوالفقار در $60^{\circ}19'61''$ طول جغرافیایی) که مرز مشترک ایران، افغانستان و شوروی می باشد امتداد دارد. این مسافت تقریباً $855/037$ کیلومتر است. خراسان با افغانستان حدوداً 619 کیلومتر مرز مشترک دارد که از لحاظ طبیعی و مناطق مسکونی می توان آن را به سه قسمت تقسیم کرد:

- ۱- از دهانه ذوالفقار تا دریاچه نمک که حدود 230 کیلومتر است.
- ۲- از دریاچه نمک تا زابل در حدود 305 کیلومتر که خط مرزی از نواحی بیابانی می گذرد.
- ۳- پیشرفتگی حدود زابل تقریباً به طول 320 کیلومتر.

استان خراسان همچنین از شمال به جنوب با ولایات هرات و فراه استان سیستان و بلوچستان با ولایت نیمروز (چخانسور) کشور افغانستان همسایه است. شهر کابل از طریق بزرگ راهی به قندهار و هرات و از آنجا به اسلام قلعه در کنار مرز ایران و افغانستان (مقابل دوغارون ایران) مربوط می شود.

تعیین خطوط مرزی بین ایران و افغانستان از نظر زمان و حکمیت به سه مرحله تقسیم می شود:

۱- حکمیت ژنرال ماکلین: بعد از عهدنامه صلح ایران و انگلیس افغانها در منطقه مرزی هشتادان اقدام به یک سری تجاوزات مرزی کردند. لذا به منظور رفع اختلاف بر اساس قرار داد سال ۱۸۵۷، کمیسیون حل اختلاف مرزی به حکمیت انگلستان تشکیل شد (۱۸۹۱ میلادی/ ۱۳۰۸ هجری) ژنرال ماکلین که در آن زمان کنسول انگلیس در مشهد بود از طرف دولت انگلستان مأمور تعیین حدود ایران و افغانستان شد. مرزی که توسط وی مشخص و تعیین شد به طول ۹۶ کیلومتر از دهانه ذوالفقار شروع و از خط القعر (Talveg) رودخانه هریرود ۱۲ گذشته به کال کله می رسد. از آنجا خط مرزی از وسط دشت هشتادان و قریه گرگ آباد در خاک ایران عبور کرده به کوه یال خر ختم می شود. در این فاصله ۳۹ علامت مرزی با ذکر شماره نصب شده است.

۲- حکمیت کننل ماکماهون: بعد از استقلال کشور افغانستان حکام قندهار و هرات به قسمت دلتای رود هیرمند تجاوز کردند و همین امر موجب اعتراض دولت ایران شد عاقبت هیأت نمایندگی انگلستان به ریاست سرفردریک گلداسمیت از منطقه بازدید و نقشیه برداری کرد و قسمت وسیعی از خاک ایران را به افغانستان واگذار کرد. به موجب این توافقنامه که کلاً به ضرر ایران بود ناحیه سمت راست رودخانه هیرمند^{۱۳} به افغانستان و

۱۲- هریرود (تجن)- این رودخانه از دامنه های جنوب غربی کوههای سفید کوه و بابا در افغانستان سرچشمه می گیرد. پس از عبور از دره هرات و دشت غوریان به مرز ایران می رسد در مرز ایران به سوی شمال جریان یافته و در محل پل خاتون یا رودخانه کشف رود تلاقی می کند که از آنجا به بعد تجن نامیده می شود. رودخانه تجن بعد از مشروب کردن اراضی سرخس و عبور از دشت خوارزم به ریگزار قره قوم می رسد. این رودخانه در طول مسیر خود ۲۰۰ کیلومتر از مرز مشترک ایران، افغانستان و شوروی را تشکیل می دهد. از شعبات معروف آن که در ایران جاریست کشف رود و جامرود می باشند.

۱۳- رود هیرمند- از کوههای بابا در شصت کیلومتری غرب کابل سرچشمه گرفته از شمال شرقی به سمت جنوب غربی جاری است و طول آن ۱۱۰۰ کیلومتر می باشد. رودخانه هیرمند در بند کمال خان تغییر مسیر داده به سمت شمال

سمت چپ به ایران واگذار شد.

پس از گلداسمیت هیأت دیگری به ریاست کلنل هنری ماکماهون در ۲۶ ذیقعه ۱۳۲۳ هجری (اول فوریه ۱۹۰۵ میلادی) از سیاه کوه تا کوه ملک سیاه، به طول ۲۸۲ کیلومتر را تعیین حدود و علامت گذاری کرد. خط مرزی از بلندترین قله کوه ملک سیاه که نقطه مرزی میان ایران- افغانستان و پاکستان می باشد با شماره یک مشخص و پس از عبور از دریاچه هامون به سیاه کوه که محل نصب میله مرزی شماره ۹۵ و آخرین نقطه حکمیت ماکماهون است ختم می شود.

۳- حکمیت فخرالدین آلتای: چون حدود و خط مرزی بین ایران و افغانستان از علامت شماره ۳۹، آخرین نشانه خط مرزی حکمیت ماکلین، تا علامت شماره ۹۵ در سیاه کوه، آخرین نقطه حکمیت ماکماهون، مشخص نشده بود لذا مرتباً بین دو کشور اختلافاتی بروز می کرد که به منظور رفع این درگیریها و تعیین خطوط مرزی، به موجب قرارداد ۱۶ اسفند سال ۱۳۱۲ دو دولت ایران و افغانستان موافقت کردند تا کشور ترکیه حکمیت کرده و اختلافات آنها را حل کند. در اجرای این قرارداد دولت ترکیه سپهبد فخرالدین آلتای را روانه ایران کرد. هیأت همراه که مرکب از چند نفر مستشار و نقشه بردار بود در سال ۱۳۱۳ از مرزهای ایران و افغانستان بازدید کردند. کار این هیأت در کمیسیونهای سه گانه و جلسات متعددی پیگیری شد تا این که سرانجام در روز ششم بهمن ۱۳۱۳ کمیسیونهای حل اختلاف به کار خود پایان دادند.

فخرالدین آلتای در ۱۵ مه ۱۹۳۵ (۲۴- اردیبهشت ۱۳۱۴) نظرات خود را همراه با نقشه های مرزی و علایم مرزی مشخص شده بر روی آنها توسط دولت متبوع خود به اطلاع هر دو دولت ایران و افغانستان رساند. وی که حکمیت خود را به زبان ترکی تهیه کرده بود ابتدا و انتهای خط مرزی ایران و افغانستان را مشخص و بعد از آن به موقعیت مرزی و به روستاهای یزدان و هشتادان اشاره کوتاهی کرده است. وی سپس نظرات خود را درباره ۳۷۵

متحرف می شود و دربند کوهک که در شرق شهرستان زابل و مرز افغانستان است وارد خاک ایران می شود. این رودخانه دارای شعب متعددیست ولی شعبه اصلی دربند کوهک به دو شعبه تقسیم می شود. خط القعر رودخانه اصلی هیرمند تا بند پریان مرز ایران و افغانستان بوده و از آن جا خط مرزی وارد مجرای نادعلی می شود و از آن پس به نام رود پریان به داخل خاک ایران وارد و به دریاچه هامون می ریزد، دلتای رودخانه هیرمند فوق العاده مسطح بوده و شامل دریاچه های کوچک و کم عمق زیادی است.

کیلومتر نقاط مرزی که قبلاً تعیین شده بود، در سه بخش توضیح می دهد:

«۱- خطوط مرزی تعیین شده توسط ژنرال ماکلین و پروتکل سرحدی روسیه و افغانستان نشان می دهد که سرحد روسیه از طرف مقابل به شمال در اطراف ذوالفقار شروع می شود. لذا هریرود واقع بین این دو نقطه باید مرز باشد و نظر به این که هریرود رود بزرگی است مرز باید خط القعر رودخانه باشد.»

«۲- تعیین مناطق مرزی و خط مرزی در جنوب علامت ۳۹ مرزی که توسط ژنرال ماکلین تعیین شده است. در این بخش روستاهای چاه سرخ به افغانستان و موسی آباد به ایران تعلق گرفت. راجع به تحدید مرز بعد از علامت شماره ۳۹ اصول زیر اتخاذ گردید: قسمت شمال خطی که از علامت شماره ۳۹ به طرف مغرب امتداد پیدا کرده است باید به ایران واگذار گردد و دامنه های شمالی کوه های شمتیغ که محل سکونت افغانهاست به افغانستان واگذار شود. رود سرگردان که در مقابل چاه فضل جاری می شود در امتداد سرحد باقی مانده و خط سرحدی به دریاچه اتصال داده شده و آن را از بین دو سیاه کدو عبور داد. هرگاه به حل اختلاف راجع به موسی آباد موفق شویم ممکن خواهد بود خط سرحدی را که از علامت شماره ۳۹ به دریاچه نمک امتداد پیدا می کند به طور قطعی تعیین نماییم. در مورد موسی آباد و تابعیت آن فخرالدین آلتای صراحتاً اظهار نظری نکرده است.

«۳- علامت گذاری خط مرزی از شماره ۴۰ و تعیین خطوط مرزی و فاصله علائم تا شماره ۸۷. در این محل خط مرزی با قطع مجاری آب و چند زاویه به طرف جنوب امتداد یافته و به طرف سیاه کوه رفته به نحوی که گل نی و چاه مار را در افغانستان و شند بلوچ را در ایران خواهد گذاشت. در این بخش خط مرزی در دریاچه نمک و مناطق خشک و لم یزرع و مناطق کوهستانی و تصرف ایران بر روستای یزدان محرز گردید.»

«فخرالدین آلتای متأسفانه در حکمیت خود علناً از دولت افغانستان طرفداری کرد و مناطق و سرزمینهای وسیعی را در محدوده خاک مقابل دانست. بر اساس این حکمیت بود که کمیسیون نشانه گذاری مرزهای ایران و افغانستان در اواسط سال ۱۳۱۴ شمسی نشانه گذاری مرزی را از شماره ۴۰ تا ۸۷ شروع کرده و در آخر سال ۱۳۱۵ شمسی به پایان رساندند^{۱۴}»

۱۴- مخبر، مهندس علی، مرزهای ایران، چاپ اول، چاپخانه کیهان، سال ۱۳۲۴ متن قرارداد حکمیت

«اقدامات فخرالدین آلتای برای تعیین مرزهای دو کشور ایران و افغانستان بر اساس پروتکل قبول رأی حکمیت دولت ترکیه در مورد تحدید حدود ایران و افغانستان بود که در اسفند سال ۱۳۱۲ (۱۷ حوت ۱۳۱۲) بین دو دولت به امضا رسیده بود.^{۱۵}»

«در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۴۸ نمایندگان سه دولت ایران، افغانستان و اتحاد شوروی به منظور تعیین و تحدید سرحد در محل تلاقی مرز سه کشور در شهر سرخس ایران پروتکلی را امضاء کردند. که بر اساس آن مرز سه کشور در این ناحیه مشخص گردید. سرحد دولتی افغانستان و ایران که در سال ۱۹۳۵ (۱۳۱۴) تعیین گردیده باتالوک (خط القعر رودخانه تجن رو به فراز جریان رودخانه مزبور امتداد داشته به علامت سرحدی H که در محل التقاء رودخانه کال کله با رودخانه تجن واقع است می رسد^{۱۶}. رودخانه تجن (هریرود) حدود ۲۰۰ کیلومتر از مسیر خود را مرز مشترک ایران با شوروی و افغانستان تشکیل می دهد. از دهانه ذوالفقار تا رباط تومان آقا مرز مسیر رودخانه است. از تومان آقا تا شمال دریاچه نمک خط مرز از نواحی صاف و جلگه‌ی هشتادان عبور می‌کند. تومان آقا رباطی داشته که در زمان شاه عباس صفوی بنا گردیده و در زمان اردو کشی نادر به هندوستان یک پاسگاه مرزی بوده که محل استقرار سربازان بلوچ قرار داشته است.»

همچنین برای پایان بخشیدن به مسائل مرزی و جلوگیری از اختلافات احتمالی در پنجم تیر ۱۳۳۵ (۲۶ ژوئن ۱۹۵۶) قرارداد کمیساران سرحدی (مرزبانان) درپانزده ماده به امضاء نمایندگان ایران و افغانستان رسید. در ماده اول مراکز حضور مرزبانان دو کشور تعیین شد. مرکز مرزبانی در خاک افغانستان چخانسور، کلاته نظر و اسلام قلعه و مرکز مرزبانی در خاک ایران زابل، یزدان خواف و باخرز (تایباد) تعیین گردید. در سایر مواد این قرارداد حوزه عملکرد مرزبانان، وظایف مرزبانان و معاونین آنها، رسیدگی به شکایات محلی، محل ملاقات و نوع لباس مرزبانان و عدم تغییر محل و منطقه عملیات مرزبانان ذکر شده است.^{۱۷}»

در حال حاضر به علت شرایط خاصی می توان گفت که مرز ایران و افغانستان از مرزهای نا آرام کشور است بدین صورت که به علت وضعیت طبیعی و جغرافیایی و همچنین

۱۵ - مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹ شمسی، مجلد اول، صفحه ۲۱۴.

۱۶ - مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹ شمسی، مجلد اول، صفحه ۲۱۸.

۱۷ - مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹ شمسی، مجلد اول، صفحه ۲۲۴-۲۲۱.

اوضاع داخلی افغانستان، افغانها به راحتی و به طور غیرمجاز در طول نوار مرزی تردد داشته و عده‌ای از آنان نیز در شهرها و روستاهای حاشیه مرز ساکن شده‌اند. سکونت غیرمجاز و گسترده افغانها در حاشیه مرز علاوه بر ایجاد مسایل سیاسی و مشکلات فرهنگی، بهداشتی و رفاهی در منطقه موجب بروز مشکلات دیگری نظیر حمل مواد مخدر و کالای قاچاق، سرقت و وجود ناامنی شده است. هرچند دولت جمهوری اسلامی ایران با احداث جاده‌های مرزی و پاسگاههای انتظامی و استقرار نیروهای ژاندارمری در حفظ و کنترل ورود کالای قاچاق و مواد مخدر و فراهم آوردن امنیت فعالیتهای چشم‌گیری داشته مع الوصف به منظور پیش‌گیری از هرگونه خطر احتمالی و افزایش ضریب اطمینان بایستی کنترل مرز و مراقبتهای انتظامی

مرزهای شرقی خراسان با افغانستان به طول ۶۱۹/۴ کیلومتر

مرز مشترک به کیلومتر	فاصله تا خط مرزی		مرکز دهستان	دهستان	شهرستان
	تیررس	از جاده			
۹۰			-	-	تربت جام
۴۰	۱۱	۱۳	جنت آباد	جنت آباد	
۵۰	۲۱	۱۹	سمیع آباد	پایین جام	
۷۹	-	-	-	-	تایباد
۵۰	۲۵	۲۳	کاریز	پایین ولایت	
۲۹	۳۰	۲۰	کرات	کرات	
۹۱	-	-	-	-	خواف
۹۱	۳۷	۴۸	سنگان	پایین خواف	
۱۵۰	-	-	-	-	قاینات
۱۵۰	۲۴	۶۶	شاهرخت	پترگان	
۱۲۲/۴	-	-	-	-	پیرچند
۲۰/۴	۳۵	۴۵	گزریک	گزریک	
۳۲	۴۱	۵۰	طبس مسینا	طبس مسینا	
۷۰	۳۲	۳۷	درج	درج	
۸۷	-	-	-	-	نهبندان
۸۷	۳۳	۴۶	معدن حاجات	بندان	

تشدید و تدابیر خاصی برای حفظ امنیت اتخاذ شود. در جدول صفحه قبل نام واحدهای تقسیمات کشوری خراسان از شمال به جنوب که در حاشیه مرزی واقع شده با مقدار طول تقریبی مرز مشترک آنها بیان شده است^{۱۸}

شکل گیری مرزهای کنونی خراسان با شوروی

در زمان صفویه حکام خوارزم مطیع دولت ایران بودند. شاه عباس در سال ۱۰۰۶ هجری به خوارزم رفت و حاج محمدخان را به حکومت خوارزم تعیین کرد. لیکن در زمان فتنه افغان ازبکها و ترکمنهای خوارزم از ضعف حکومت صفویه استفاده کرده و خراسان را مورد تاخت و تاز قرار دادند. تا این که نادر برای سرکوبی آنان به ترکستان لشکرکشی کرد و شهرهای بخارا و خوارزم را متصرف و حاکمی بر آنها گماشت (رجب ۱۱۵۳ هجری). مجدداً در اواخر سلطنت فتح علی شاه، ترکمنها به نواحی شمالی خراسان هجوم آوردند. در نتیجه عباس میرزا برای فرو نشانیدن این تهاجمات عازم این مناطق شد (۱۲ محرم - ۱۲۴۸ هجری) در همین زمان سرخس به تصرف قوای ایران درآمد و حاکم خیره خراج گزار دولت ایران شد.

در زمان محمدشاه سلاطین روسیه بنا به وصیت پتر کبیر مرتباً حوزه نفوذ خود را برای دست یابی به آبهای گرم وسعت داده و بتدریج به طرف استرآباد (گرگان فعلی) و خلیج حسینقلی نزدیک و سرزمینهای شرقی دریای خزر را غاصبانه تصرف کردند. از طرفی ترکمنها در آن حوالی مزاحمتهایی برای ساکنین آنجا فراهم می کردند. محمدشاه در سال ۱۲۵۲ هـ (۱۸۳۶ م) برای سرکوبی ترکمنها از دولت روسیه تقاضای کمک کرد. به جای کمک به ایران نیروهای روسی با فرماندهان ترکمنها از در دوستی درآمده و هیچ گونه اقدامی برای سرکوبی آنان انجام ندادند ولی با این حال آشوب ترکمنها پایان یافت. در سال ۱۲۵۸ هـ (۱۸۴۲ م) که ترکمنها مجدداً شروع به غارت آن نواحی کردند روسها به بهانه سرکوبی و جلوگیری از آنها جزایر آشوراده را اشغال و آنجا را پایگاه دریایی قلمرو خود قرار دادند و به اعتراضات پی در پی دولت ایران توجه نکردند. آشوراده تا سال ۱۲۹۱ در تصرف روسها بود تا این که به موجب عهدنامه ای که میان ایران و روس منعقد شد روسها از جزایر

۱۸ - اعداد و ارقام ارائه شده هیچ گونه سندیتی برای مسایل مرزی و بین المللی نداشته و صرفاً به منظور اطلاع محاسبه

آشوراده و سایر جزایر واقع در کرانه های استرآباد خارج شدند.

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه میرزا تقی خان امیرکبیر، رضا قلی خان هدایت را برای مذاکره و جلب اطاعت امرای خوارزم عازم این ناحیه کرد. وی با محمدامین، خان خویه ملاقات کرد و خوانین مرو نیز در سال ۱۲۶۹ نامه ای مبنی بر اظهار اطاعت و تابعیت ایران به والی خراسان نوشتند. با مرگ میرزا تقی خان امیرکبیر محمدامین بنای سرکشی گذاشت. ناصرالدین شاه فریدون میرزا فرمانفرما را مأمور سرکوبی او کرد. لشکریان محمدامین در سرخس از سپاهیان دولتی شکست سختی خوردند و مرو و خویه به تصرف قوای دولتی درآمد و حاکمان آنها از طرف والی خراسان تعیین شدند. در سال ۱۲۸۶ هجری ترکمنها مجدداً به خراسان هجوم آوردند و با شکست سخت قشون ایران در نزدیکی مرو فرصت خوبی برای روسها برای تصرف قسمت شرقی دریای خزر فراهم کردند و آنها نیز ابتدا شهر خوقند و سپس شهرهای بخارا و خویه را تصرف کردند.

در سال ۱۲۹۷ هـ/ ۱۸۸۰ م ژنرال اسکوپلف مأمور جنگ با ترکمنها شد او در سال ۱۸۸۱ عده زیادی سرباز را از طریق راه آهن به گوگ تپه که پایگاه ترکمنهای تکه بود، اعزام داشت. هرچند تراکمه با شجاعت از خود دفاع کردند ولی عاقبت تسلیم شدند و مقدمات تشکیل ایالتی به نام ایالت ماوراء بحر خزر فراهم شد. بعد از وقوع این حوادث به منظور تعیین مناطق سرحدی میان ایران و روس، در سال ۱۲۹۹ هـ/ ۱۸۸۱ م قراردادی بین دو کشور منعقد و به امضای میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر امور خارجه ایران و ایوان ذی نوی پف وزیر مختار و ایلچی مخصوص روس رسید. بدین ترتیب روسیه تزاری که از زمان پطرکبیر در ناحیه شمال شرقی ایران شروع به مداخله کرده بود به سرعت نواحی جنوبی کشور خود را توسعه داده و به مرزهای فعلی رسید و بدین ترتیب جمهوری ترکمنستان بین دریای خزر و رود جیحون به وسعت ۴۸۷۰۰۰ کیلومتر مربع از خراسان جدا شد.^{۱۹}

براساس همین قرارداد مسیر رودخانه اترک ۲۰ از خلیج حسینقلی تا چات به عنوان مرز

۱۹- مدیرشانه چی، کاظم، حدود خراسان در طول تاریخ، نشریه دانشکده علوم معقول و منقول، دانشگاه مشهد،

اسفند ۱۳۴۷، صفحه ۱۲۵.

۲۰- رود اترک: این رودخانه از ارتفاعات هزارمسجد سرچشمه گرفته و تقریباً به طول ۵۰۰ کیلومتر با عبور از دره ها و کوه های بسیار از شرق به غرب جاری بوده و پس از مشروب کردن دره های حاصلخیز: قوچان، شیروان و شمال شرقی بجنورد پس از طی ۳۵۰ کیلومتر به نقطه مرزی چات رسیده و در آن جا رودخانه سومبار به آن می پیوندد. بعد مسیر خود را در جهت جنوب غربی ادامه داده در مشرق خلیج حسینقلی به دریای خزر می ریزد. رودخانه اترک از چات به بعد مرز ایران و

ایران و روس تعیین و تا لطف آباد مشخص شد. در ششم جمادی الاول سال ۱۳۰۳ هجری در اجرای فصل دوم قرارداد مرزی سال ۱۲۹۹ هجری نقشه‌ای به مقیاس ۱:۸۴۰۰۰ از خلیج حسینقلی تا بابادورمز توسط هیأت نمایندگی ایران و سرکمیسر روس تهیه شد. در تعقیب این قراردادها عهدنامه دیگری در تاریخ ۲۷ مه ۱۸۹۳ میلادی (۲۳ ذیقعه ۱۳۱۰) در مورد روستای فیروزه و حصار بین ایران و روسیه منعقد گردید و روستای فیروزه و اراضی اطراف روستای حصار و شلیگان به روسیه واگذار شد و خط مرزی از بابادورمز تا رودخانه تجن و از آنجا تا ذوالفقار که مرز مشترک ایران، افغانستان و شوروی است تعیین شد. مرز بین ایران و اتحاد شوروی از عمیقترین قسمت مسیر رودخانه تجن به سمت جنوب تعیین شد و در محل تلاقی، دو رودخانه کشف رود با تجن (هریرود) در نزدیکی پل خاتون علامت مرزی نصب شد. در ساحل راست رودخانه بر روی ستون سنگی به خط روسی و فارسی کلمه روسیه و برپایه‌ای در ساحل چپ رودخانه تجن کلمه ایران به دو خط فارسی و روسی نوشته شد.

با وجود این قراردادها و موافقتنامه‌ها دولت تزاری روس اجحافات در استفاده از آبهای مرزی و جریان رودخانه‌ها بر ایران تحمیل کرد که نمونه آشکار آن را در مسیر رودخانه اترک می‌توان مشاهده کرد. مأمورین روسی بستر و مسیر قدیم رود اترک را که آثار و شواهد طبیعی و تاریخی داشت به عنوان مرز نپذیرفتند و مساحت زیادی از سرزمین ایران را جزو کشور خود دانسته و مسیر و بستر آن موقع را مرز قرار دادند. تجاوزات مرزی و دست اندازی به خاک و منابع آبی توسط روسیه تزاری همچنان ادامه داشت تا این که دولت تزاری منقرض و انقلاب ۱۹۱۷ به وقوع پیوست.

پس از انقلاب روسیه و تشکیل دولت اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۱۹ کمیسر ملی امور خارجه شوروی به رییس دولت ایران اعلام کرد که مرز ایران و شوروی مطابق اراده آزاد ساکنین دو سوی مرز معین خواهد شد. در نتیجه عهدنامه دوستی میان دو دولت در هشتم اسفند ۱۲۹۹ (۲۶ فوریه ۱۹۲۱) به منظور تحکیم روابط همجواری به امضاء علیقلی خان مشاورالملک و گه ارگی واسیلویچ چیچرین و کاراخان شامل ۲۶ فصل به زبان روسی و فارسی به امضاء رسید. در فصل سوم، دولت شوروی مرز بین ایران و شوروی را مطابق کمیسیون مرزی سال ۱۸۸۱ تأیید کرد و جزایر آشوراده و سواحل استرآباد و همچنین روستای

شوروی را تشکیل می‌دهد. سابقاً طوایف مختلف ترکمن در اطراف این رودخانه که پوشیده از خاکهای مستعد و حاصلخیز بود سکنی داشته و از نواحی پرجمعیت و آباد منطقه بوده است.

فیروزه و اراضی مجاور آن که براساس قرارداد ۲۸ مه ۱۸۹۳ از طرف ایران به روسیه داده شده بود به ایران واگذار کرد. متقابلاً دولت ایران نیز شهر سرخس روس یا سرخس کهنه را با اراضی مجاور که منتهی به رودخانه تجن می شود را در اختیار روس قرار داد. در سایر فصول این قرارداد آمده است: دولتین روس و ایران می توانند با حقوق مساوی از رودخانه اترک و آبهای مرزی بهره برداری کنند. در صورت اختلاف نظر و رسیدگی به مسایل و آبهای مرزی یک کمیسیون مرکب از نمایندگان ایران و شوروی این امور را حل و فصل خواهند کرد.

در سال ۱۳۰۱ شمسی (۱۹۲۲ م) برای تجدید نظر در خط مرزی و رفع اختلافاتی که از زمان دولت تزار روسیه باقی بود مقرر شد که کمیسویی مرکب از نمایندگان شوروی و ایران از خلیج حسینقلی در امتداد رود اترک مرز را مشخص کنند. هیأت ایرانی مدت یازده ماه در مرز مستقر شدند و لیکن هیأت روسی در محل حاضر نشد و قریه فیروزه و اراضی مجاور آن همچنان در دست روسها باقی ماند.

«چون بهره برداری از آبهای مرزی برای مصارف کشاورزی از اهمیت خاصی برخوردار بود و باعث بروز اختلافاتی بین دو کشور می شد لذا به موجب فصل سوم عهدنامه دوستی بین ایران و اتحاد شوروی که در سال ۱۹۲۱ منعقد شده بود در بیستم فوریه ۱۹۲۶ (اول اسفند ۱۳۰۴) قرارداد استفاده از رودخانه ها و آب های مرزی از هریرود تا دریای خزر در ۲۴ ماده و یازده صورت مجلس و هفت قطعنامه تنظیم شد. در فصول مختلف این قرارداد با ذکر مقدار سهم آب هر یک از دولتها نام رودخانه، محل تقسیم آب و محل تردد میرآبها مشخص شد و مأمورین مرزی موظف شدند میزان سهم آب خود را به اطلاع اهالی ساکن در منطقه برسانند.^{۲۱}»

«در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۴۸ پروتکلی بین نمایندگان سه کشور ایران، افغانستان و شوروی در شهر سرخس به امضاء رسید که در آن مرز سه کشور در وسط عمیق ترین و ضخیم ترین مسیر رودخانه تجن (هریرود) تعیین گردید و نقطه تلاقی مرزی در محل به وسیله علائم مرزی مشخص شد.^{۲۲}»

براساس ماده دو موافقت نامه، راجع به حل مسایل مرزی و مالی ایران و شوروی که در

۲۱ - مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹ شمسی، مجلد اول، صفحه ۸۲-۶۶.

۲۲ - مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹ شمسی مجلد اول، صفحه ۲۱۸.

دوم دسامبر ۱۹۵۴ (۱۱- آذر ۱۳۳۳) منعقد شد مرز ایران و شوروی در ناحیه قفقاز و ماوراء دریای خزر در قسمت شرقی دریای مازندران دقیقاً مشخص و علامت گذاری شد و قسمتی از اراضی و همچنین روستای فیروزه به کشور شوروی واگذار شد. ۲۳ به دنبال همین موافقت نامه کمیسیون مختلط ایران و شوروی در فاصله سالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۴ شمسی (۱۹۵۶-۱۹۵۵ م) تشکیل شد. چون طول مرز ایران و شوروی طولانی بود هیأت نمایندگی دو کشور در سه قسمت اقدام به تعیین مرز کردند. منطقه شرقی دریای خزر از تازه آباد شروع و به دهانه ذوالفقار ختم می شد. در نقطه شروع مرز ایران و شوروی در شرق دریای خزر علامت مرزی شماره ۱۴۵ در فاصله ۲/۲ کیلومتری جنوب صیدگاه متعلق به شوروی نصب شد. نقطه پایانی مرز ایران و شوروی محل تلاقی مرزهای سه کشور ایران، افغانستان و شوروی است که علامت مرزی شماره ۳۰۶ نصب شده است. طول خط مرزی ایران و شوروی در ناحیه شرق دریای خزر که از روی نقشه اندازه گیری شده بالغ بر ۱۹۷۵/۶ کیلومتر می باشد که ۹۶۹/۵ کیلومتر مرز خاکی و ۱۰۰۶/۱ کیلومتر آن مرز آبی (رودخانه) است. در فاصله مرز دو کشور در این ناحیه که مسافت آن در روی زمین ۱۱۷۹/۱ کیلومتر بر آورد می شود تعداد ۱۶۶ علامت اصلی و ۴۷۰ علامت فرعی نصب شده است.

خط مرزی ایران و شوروی از سه خط تشکیل شده که خط وسط مرز حقیقی را نشان می دهد و علایم مرزی بر روی آن نصب شده است. هر دو کشور به فاصله ۲/۵ متر از هر طرف علایم مرزی را که از بتون مسلح ساخته شده و به رنگ پرچم و آرم دو کشور است، نصب کرده اند. بدین ترتیب در طول مرز ایران و شوروی پنج متر منطقه سرحدی به وجود آمده است. در مناطقی که مرز دو کشور رودخانه می باشد علایم اصلی و فرعی بر روی کرانه های رودخانه در خاک دو کشور نصب شده اند. ۲۴ خراسان با شوروی (جمهوری ترکمنستان) حدود ۷/۷ کیلومتر مرز مشترک دارد که ۶۲۸/۷ کیلومتر در ناحیه شمالی و ۱۲۳ کیلومتر در ناحیه شرقی است. فاصله شهر سرخس با مرو ۲۰۰ کیلومتر و با تجن ۱۴۰ کیلومتر است. باجگیران در ۹۰ کیلومتری قوچان و ۴۰ کیلومتری جنوب عشق آباد قرار دارد.

۲۳ - مجموعه معاهدات دوجانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹ شمسی، مجلد اول، صفحه ۱۱۶.

۲۴ - جهانبانی، امان الله، سپهد، مرزهای ایران و شوروی، تیر ۱۳۳۶، چاپخانه مجلس، فصل سوم، کمیسیون مختلط

از سال ۱۳۳۵ شمسی به بعد در زمینه های اقتصادی، ترانزیتی، بازرگانی، پست، تلگراف، دفع آفات نباتی، رفع اختلافات و حوادث مرزی بین دولت ایران و اتحاد شوروی موافقت نامه و پروتکل های متعددی به امضاء رسید. در همین رابطه بر اساس متمم موافقت نامه مربوط به رودخانه های مرزی ارس و اترک قراردادی راجع به تهیه طرح مقدماتی استفاده مشترک از آب موجود قطعه مرزی رودخانه هریرود (تجن) در ۱۴ اسفند ۱۳۳۶ (پنج مارس ۱۹۵۸) منعقد شد بر اساس قرارداد مزبور سازمان آب منطقه ای خراسان مصمم است به منظور تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی سد مشترکی بین ایران و شوروی در منطقه مرزی شهرستان سرخس و بخش جنت آباد با ظرفیت ۴۵۰ میلیون مترمکعب بر روی رودخانه تجن احداث کند.^{۲۵}

به دنبال تحولات شوروی و سفر آقای هاشمی رفسنجانی به آن کشور و امضاء پروتکلی بین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد جماهیر شوروی که منجر به تغییر قوانین و مقررات گمرکی و تردد ساکنین مرزی دو کشور شد، یادداشت تفاهمی بین دو کشور در ۲۶ بهمن سال ۱۳۶۸ شمسی (۱۵ فوریه ۱۹۹۰ میلادی) به امضاء رسید. بر اساس این یادداشت تفاهم در مورد تسهیل عبور و مرور ساکنین مناطق مرزی و توسعه همکاری های بین دو دولت و برقراری تماس های بین اتباع دو کشور توافقی حاصل شد. در ماده ۴ این یادداشت تفاهم یازده نقطه در داخل خاک ایران و شوروی برای عبور و گذر ساکنین مناطق مرزی مشخص شد که برای خراسان شهرهای باجگیران، لطف آباد و سرخس و در مقابل آن گاودان، ارتیک و سرخس در جمهوری ترکمنستان اتحاد شوروی تعیین شدند. همچنین بر اساس مواد دیگر این یادداشت تفاهم ساکنین مناطق مرزی در هر سال چهار بار حق عبور از مرز را داشته و می توانند به صورت پیاده و یا وسایل نقلیه شخصی از مرز عبور کنند. در جداول زیر نام واحدهای تقسیمات کشوری استان خراسان که در مرز ایران و شوروی قرار دارند از غرب به شرق و از شمال به جنوب جهت اطلاع اعلام می شود.^{۲۶}

۲۵ - روزنامه کیهان پنجشنبه ۳۰ آذر، ۱۳۶۸، شماره ۱۳۷۹۱، صفحه ۹.

۲۶ - طول مرز مشترک ایران و اتحاد شوروی در ناحیه خراسان به طور تقریب محاسبه شده و جنبه سندیت بین المللی

۱- مرزهای شمالی خراسان با شوروی به طول ۶۲۸/۷ کیلومتر

مرز مشترک به کیلومتر	فاصله تا خط مرز		مرکز دهستان	دهستان	شهرستان
	تیررس	از جاده			
۱۹۷/۱	-	-	-	-	بجنورد
۸۱	۹/۴۵	۱۴/۰۴	یکه سعودپایین	جرگلان	
۸۱	۱۷/۵	۲۰/۲۵	غلامان	غلامان	
۳۵/۱	۴/۸۶	۲۱/۶	گیقان	گیقان	
۶۴/۸	-	-	-	-	شیروان
۳۶/۴۵	۱۷/۵۵	۲۰/۲۵	ینگه قلعه بالا	قوشخانه	
۳۸/۳۵	۱۲/۱۵	۱۴/۳۵	کوسه	جیرستان	
۲۸/۳۵	-	-	-	-	قوچان
۲۸/۳۵	۲۷	۲۹/۷	امامقلی	باجگیران	
۱۵۵/۲۵	-	-	-	-	درگز
۳۵/۱	۱	۰	شیخ‌ها	درونگر	
۴۰/۵	۱۲	۲۱	برج قلعه	شهرستانه	
۵۸/۰۵	۳	۶/۲	شلیگان	دیباچ	
۲۱/۶	۷	۷	حسن آباد لایین	هزار مسجد	
۱۰۳/۲	-	-	-	-	مشهد
۶۰	۱۴	۱۷	جلیل آباد	کبود گنبد	
۲۰/۲	۲۵	۳۰	زوی سفلی	زاوین	
۲۳	۲۶	۲۹	امیرآباد	پساکوه	
۸۰	-	-	-	-	سرخس
۸۰	۴	۶	کند کلی	سرخس	

۲- مرزهای شرقی خراسان با شوروی به طول ۱۲۳ کیلومتر

مرز مشترک به کیلومتر	فاصله تا خط مرزی		مرکز دهستان	دهستان	شهرستان
	تیررس	از جاده			
۸۴	-	-	-	-	سرخس
۷	۴	۶	کند کلی	سرخس	
۷۱	۶۰۰ متر	۶۰۰ متر	سنگر	تجن	
۶	۶	۸	پسکمر	پل خاتون	
۳۹	-	-	-	-	تربت جام
۳۳	۱۸	۲۴	اسماعیل آباد	صالح آباد	
۶	۱۱	۱۳	جنت آباد	جنت آباد	

منابع:

- ۱- استانداری خراسان، گزارشی توجیهی اجرای قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، جلد ۱، ۲، ۱۳۶۶
- ۲- امام، سید محمد کاظم: مشهد طوس، انتشارات کتابخانه ملی، ۱۳۴۸
- ۳- بدیمی، دکتر ربیع: جغرافیای مفصل ایران، جلد ۱ و ۲، ۱۳۶۲
- ۴- جهانبانی، سپهبد امان الله: مرزهای ایران و شوروی، ۱۳۳۶
- ۵- دانشگاه تهران، مؤسسه جغرافیا، اطلس تاریخی ایران، ۱۳۵۰
- ۶- رزم آرا، سرتیپ علی: جغرافیای نظامی ایران، ۱۳۲۰
- ۷- رنجبر، دکتر احمد: خراسان بزرگ، ۱۳۶۳
- ۸- علومی، دکتر رضا: اصول علوم سیاسی، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۴۸
- ۹- کیهان، مسعود: جغرافیای مفصل ایران، جلد ۲، سیاسی، ۱۳۱۱
- ۱۰- مخبر، مهندس محمد علی: مرزهای ایران، ۱۳۲۴
- ۱۱- میرحیدر (مهاجرانی) دره: اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، ۱۳۵۷
- ۱۲- وزارت امور خارجه: مجموعه قراردادهای، جزوه شماره ۲، قراردادهای ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۱۳۳۸
- ۱۳- وزارت امور خارجه: مجموعه معاهدات دو جانبه معتبر دولت ایران تا سال ۱۳۴۹، مجلد اول، ۱۳۴۹